

نمایشنامه

«کمیتۀ نان»

سرشناسه	:	عاج، لیلا، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	کمیتة نان/ لیلی عاج.
مشخصات نشر	:	تهران: آماره، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۰ ص؛
شابک	:	978-600-7446-89-8
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	بالای عنوان : نمایشنامه.
عنوان دیگر	:	نمایشنامه.
موضوع	:	نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian drama -- 20th century
رده‌بندی کنگره	:	PIR۸۳۵۴
رده‌بندی دیویی	:	۶۲/۸۱۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۶۹۳۵۰

نمایشنامه

«کمیتۀ نان»

لیلی عاج



©Nashre Amareh, MMXXI



عنوان اثر: کمیته نان

نویسنده: لیلی عاج

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۶-۸۹-۸

نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

طراح جلد: شایان کیانی

عکاس: رضا جاویدی

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان

دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۶۶۹۵۱۳۲۳-۰۲۱ و

۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

نمایندگی فروش: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین دانشگاه و فخر

رازی، پلاک ۱۲۱۲، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۶۶۴۱۳۹۹۸-۰۲۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashre Mareh.ir

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

نمایشنامه کمیته نان

- اجرا در سالن قشقایى مجموعه‌ی تئاتر شهر
اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۸
- حضور در بخش مسابقه‌ی صحنه‌ای سی و هشتمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
- نامزد جایزه بازیگری زن (الهام شعبانی و یلدا عباسی)
از سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
- برنده جایزه بازیگری زن (یلدا عباسی) از سی و
هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

برای شهرام زرگر

::

لیلی عاج

شخصیت‌ها:

پنجاه و شش هفت ساله (مادر ناتنی خانواده)	صبریه
سی و سه چهار ساله (کارگر کُرد میدان میوه و تره‌بار)	روزگار
بیست و هفت هشت ساله (کارگر کُرد میدان میوه و تره‌بار)	آراد
بیست و چهار پنج ساله هشت ساله (همسر روزگار)	محبوبه
بیست و شش هفت ساله (دختر کُرد کولبر)	نرمین
سی و پنج شش ساله (از کولبرهای قدیمی)	کاک
	سبحان

همه به غیر از صبریه و محبوبه با لهجه کردی صحبت می‌کنند.



یک خانه کارگری که الزاما عناصر رئالیستی ندارد. حجمی از فاشق و چنگال یکبار مصرف، آدامس موزی، خلال دندان در سبدهای بزرگ در صحنه دیده می‌شود. همزمان با ورود تماشاگران موسیقی شاد کردی پخش می‌شود. روزگار، آراد و محبوبه روبه‌روی تماشاگران ایستاده‌اند و همگی به یک نقطه خیره مانده و حال و روز خوشی ندارند. بغض روزگار می‌ترکد و گریه‌اش می‌گیرد؛ بلافاصله آراد و محبوبه (حاملگی‌اش کاملا قابل تشخیص است.) نیز گریه می‌کنند. آراد کنترل تلویزیون را به طرف تماشاگران گرفته و فیلم را پاز می‌کند، موسیقی قطع می‌شود.